

فهرست مطالب

مقدمه	۴
بیان مسأله	۴
سؤال های تحقیق	۵
فرضیه های تحقیق	۵
پیشینه ی تحقیق	۶
ضرورت تحقیق	۷
روش تحقیق	۷
ساختار تحقیق	۹
فصل اول: مبانی تفسیر تربیتی	۱۰
۱-۱. روشها و گرایشهای تفسیری	۱۱
۲-۱. مفهوم شناسی واژه تربیت	۱۹
۳-۱. تمایز تربیت و اخلاق	۲۶
۴-۱. رابطه ی تربیت و تعلیم	۲۷
۵-۱. ضرورت تربیت	۲۸
۶-۱. تربیت اندیشی قرآنی	۲۹
۷-۱. آیات تربیتی در قرآن کریم	۳۰
۸-۱. گرایش تربیتی	۳۸
۹-۱. علوم تربیتی	۴۶
۱۰-۱. مسائل علوم تربیتی	۴۷
فصل دوم: تفاسیر تربیتی	۷۳

مقدمه	۷۴
۱-۲. تفسیر پرتوی از قرآن	۷۴
۲-۲. تفسیر روشن	۸۷
۳-۲. تفسیر نور	۱۰۱
نتیجه گیری	۱۱۲
فصل سوم: تفاسیر جامع با رویکرد تربیتی	۱۱۳
مقدمه	۱۱۴
۱-۳. تفسیر المیزان	۱۱۴
۲-۳. تفسیر من وحی القرآن	۱۲۵
۳-۳. تفسیر نمونه	۱۳۱
نتیجه گیری	۱۴۰
فصل چهارم: تفاسیر هدایتی	۱۴۲
مقدمه	۱۴۳
۱-۴. المنار	۱۴۳
۲-۴. تفسیر المراغی	۱۴۸
۳-۴. تفسیر الواضح	۱۵۳
۴-۴. تفسیر فی ظلال القرآن	۱۵۶
۵-۴. مخزن العرفان	۱۶۰
۶-۴. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان	۱۶۴
۷-۴. تفسیر الکاشف	۱۶۷
۸-۴. تفسیر آسان	۱۷۰
۹-۴. تفسیر روان جاوید	۱۷۸

۱۸۲ ۱۰-۴. تفسیر احسن الحدیث
۱۹۱ ۱۱-۴. تفسیر من هدی القرآن
۱۹۵ نتیجہ گیری
۱۹۶ خاتمہ
۱۹۷ نتایج و پیشنهادات
۲۰۳ فہرست منابع و مآخذ

مقدمه

قرآن کریم که سرچشمه معارف الهی است از زمان نزول تا به حال، مورد توجه بزرگان دین و علما بوده و بارها توسط افراد مختلف تفسیر شده است. هر یک از بزرگان دین با توجه به توان علمی خود به شرح و بسط آیات قرآن کریم پرداخته و از دانش خود برای تفسیر قرآن استفاده نموده اند. در سال ها و قرن های اولیه پس از نزول قرآن، تفاسیر تنها به بخشی از مسائل پرداخته و به تمام جوانب آیات دقت نظر نداشته اند. گذشت زمان و پیشرفت علوم و ایجاد نیازهای جدید در جامعه، باعث تشکیل نگاه های جدید از تفسیر قرآن شد و رفته رفته مفسرین سعی داشتند تا نیازهای جامعه را با قرآن پاسخ گویند. در قرون اخیر مفسران با استفاده از روش های مختلف و با توجه به تخصص و توان علمی خود به تفسیر قرآن پرداخته و با استفاده از قرآن، به برخی از نیازهای جامعه توجه داشته اند. از جمله مسائل مورد توجه مفسران در قرون اخیر مسائل مربوط به حوزه ی تربیت است. در این مورد مفسران با داشتن انتظار تربیت از قرآن، سعی داشته برداشت هایی را از قرآن ارائه دهند که به تربیت تمام ابعاد جامعه کمک کند و آنها را به سوی کمال که همان قرب الهی است برساند.

بیان مسأله

علاوه بر روش های تفسیری، گسترش علوم بشری و تخصصی شدن آن زمینه را برای به وجود آمدن گرایش ها و رویکردهای جدید نسبت به تفسیر قرآن کریم آماده کرده است، به طوری که طی چند سال اخیر گرایش های مختلفی در تفسیر قرآن به وجود آمده است. از جمله ی این گرایش ها، گرایش تربیتی است که در آن مفسر با نگاه تربیتی - پرورش دادن و استعداد های درونی را به فعلیت رساندن یا تحول کیفی انسان به سوی کمال و رشد - به تفسیر آیات قرآن کریم می پردازد تا از این راستا به آموزه های تربیتی قرآن دست یابد. آنچه شاهد هستیم این است که هیچ یک از تفاسیر به صورت انحصاری به تفسیر تربیتی نپرداخته اند، اما تفاسیری هستند که در لابه لای

مباحث، نکات تربیتی را بیان داشته‌اند و رویکرد این‌گونه به تفسیر آیات قرآنی دارند. آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت جریان شناسی گرایش تربیتی در تفاسیر است، به این معنی که تفاسیری که به تربیتی مشهورند تا چه اندازه و به چه نحوی به طرح مباحث تربیتی پرداخته‌اند و در ذیل چه آیاتی مسائل تربیتی را مطرح کرده‌اند و همچنین بررسی سیر نگارش تفسیر تربیتی از جمله مباحثی است که در این نوشتار به اندازه‌ی بضاعت علمی نگارنده پیگیری خواهند شد.

سؤال‌های تحقیق

۱- گرایش تربیتی چیست؟

۲- مبانی گرایش تربیتی در تفسیر قرآن کریم چیست؟

۳- سیر تاریخی گرایش تربیتی در بین مفسران چگونه است و نمادهای گرایش تربیتی در تفاسیر کدام است؟

۴- مفسران در برخورد با کدام دسته از آیات، بیشتر مباحث تربیتی را بیان کرده‌اند؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- در گرایش تربیتی مفسر به جنبه‌های تربیت که در علوم تربیتی مطرح است توجه دارد. در این گرایش مهم‌ترین نکته‌های تفسیری، مطالب مربوط به حوزه‌ی تربیت است، از این رو در این گونه تفاسیر، مفسر سعی دارد آیاتی را تبیین کند که جنبه‌ی تربیتی آن واضح است و یا در ذیل آیات به شرح و بسط نکات تربیتی می‌پردازد.

۲- مفسران بر اساس مبانی خاصی در گرایش تربیتی (قرآن کریم کتاب تربیت، انسان ساز بودن کتاب الهی، بیان حوزه‌های مختلف تربیت در قرآن کریم، ...) به استخراج آموزه‌های تربیتی قرآن اقدام کرده‌اند.

۳- در میان تفاسیر گذشته شاید بتوان توجه به بُعد تربیتی را در تفاسیر اشاری و عرفانی جست- وجو کرد، اما در عصر حاضر غالب تفاسیر به این مسأله اهمیّت داده و تمام تلاش خود را به

تربیت جامعه و تذکرات برگرفته از قرآن کریم برای تربیت آن به کار برده‌اند که از جمله‌ی این تفاسیر می‌توان به تفاسیر من وحی القرآن، نمونه، تفسیر روشن و ... اشاره کرد.

از جمله نمادهای این گرایش در تفاسیر نیز می‌توان به بیان مباحث چگونگی تربیت، شیوه‌های تربیتی اثرگذار، راهکارهای تربیتی و ... اشاره کرد.

۴- غالباً مفسران نکات تربیتی را در ذیل آیاتی مانند خطاب‌های قرآنی، قصه‌های قرآن، امثله‌ی قرآنی و ... بیان داشته‌اند، اگر چه بخش‌های دیگر و آیات دیگر نیز در مبانی تربیت یا روش‌های کلی تربیت نقش آفرین هستند.

پیشینه‌ی تحقیق

در حوزه‌ی روش‌ها و گرایش‌های تربیتی کتاب‌هایی نوشته شده‌اند، از جمله کتاب روش‌های تفسیر قرآن از دکتر سید رضا مؤدب، و یا کتاب روش تفسیر قرآن از دکتر محمود رجبی. علاوه بر این کتبی نیز هستند که به تفسیرشناسی و یا روش‌شناسی تفاسیر پرداخته‌اند، از جمله کتاب التفسیر و المفسرون اثر محروم آیت الله معرفت، تفسیر و تفاسیر شیعه اثر عبدالحسین شهیدی صالحی و المفسرون، حیاتهم و منهجهم اثر دکتر سید محمد علی ایازی. اما در مورد جریان شناسی گرایش تربیتی در تفاسیر کتاب یا پایان نامه‌ای یافت نشد. البته در برخی از موضوعات مربوط کارهایی صورت گرفته است. به طور نمونه در مورد مسائل فقهی در تفاسیر، کتابی با عنوان جریان شناسی تفاسیر فقهی به چاپ رسیده است و همچنین در مورد تفاسیر عرفانی کتابی با همین مضمون اخیراً منتشر شده است. در حوزه‌های مختلف تربیت نیز کتاب‌های فراوانی نوشته شده‌اند، منتها کاری که به طور ویژه به بررسی مباحث تربیتی در تفاسیر پرداخته باشد، صورت نگرفته است.

ضرورت تحقیق

شناخت گرایش تربیتی و به دست دادن تعریف صحیحی از آن و همچنین یافتن مسائل تربیتی از مباحثی است که به طور ویژه به آن پرداخته نشده است، روی همین اصل بسیاری از تفاسیر به عنوان تربیتی متّصف شده‌اند در حالی که ممکن است با توجه به تعاریف دقیق‌تر و بررسی‌های بیشتر مشخص شود که این تفاسیر تربیتی نیستند. به هر حال ضرورت دارد که به طور ویژه به این مبحث پرداخته شود و ویژگی‌ها و نوع تفسیر تربیتی روشن گردد تا توجه تفاسیر به مسائل تربیتی را بتوان میزان سنجی نمود. علاوه بر این تفاسیر زیادی تا به حال نوشته شده‌اند که ضرورت دارد در مورد روش و گرایش آنها و یا سبک و شیوه‌ی تفسیری آنها تحقیق و پژوهش صورت گیرد، تا ضمن شناسایی روش و گرایش در تفاسیر، نقاط ضعف و قوت آنها نیز روشن گردد.

روش تحقیق

قبل از اینکه به بررسی مسائل تربیتی در تفاسیر پردازیم، لازم است ابتدا اشاره به روش کار خود در این نوشتار داشته باشیم:

۱- گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه‌ی کتابخانه‌ای بوده و به روش توصیفی - تحلیلی به جستجوی مسائل تربیتی در تفاسیر پرداخته و توجه این تفاسیر به مسائل تربیتی را میزان سنجی نموده است. در مورد انتخاب تفاسیر، مبنای کار، تفاسیری‌اند که در کتب آشنایی با تفاسیر به عنوان تفاسیر تربیتی معرفی شده‌اند. از جمله‌ی کتاب‌های آشنایی با تفاسیر که مورد استفاده قرار گرفت کتاب التفسیر و المفسرون اثر مرحوم آیت الله معرفت؛ کتاب المفسرون، حیاتهم و منهجهم از سید محمد علی ایازی؛ کتاب تفسیر و تفاسیر شیعه از عبدالحسین شهیدی صالحی؛ کتاب آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران از حسین علوی مهر و کتاب آشنایی با تفاسیر از رضا استادی می‌باشند. در انتخاب تفاسیر از بین این کتب، همه‌ی تفاسیر متّصف به گرایش تربیتی یا منهج تربیتی در یک لیست جمع آوری شده و از بین آنها مهم‌ترین و مشهورترینشان انتخاب گردیدند. از جمله‌ی مهمترین تفاسیری که به گرایش تربیتی مشهورند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تفسیر

الشعراوی، تهذیب التفسیر و تجرید التأویل، الفرقان فی تفسیر القرآن، الاساس فی التفسیر، خلاصه البیان، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تفسیر المبین، تفسیر نوین، تفسیر کوثر، المنار، المراغی، فی ضلال القرآن، پرتویی از قرآن، روان جاوید، الاساس فی التفسیر، من وحی القرآن، تقریب القرآن الی الاذهان، الواضح، احسن الحدیث، تفسیر آسان، تفسیر روشن، من هدی القرآن، المیزان، نور، نمونه. که از بین این تفاسیر آنهایی که از کارکرد بیشتری برخوردارند و بیشتر مورد توجه جامعه‌ی علمی هستند انتخاب شده و مسائل تربیتی در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

۲- نکته‌ی دیگر اینکه روش ما در جستجوی مسائل تربیتی در تفاسیر به صورت کلیدواژه‌ای بوده است، بدین معنا که در هر یک از محورهای یادشده چند کلیدواژه انتخاب شده و سپس این کلیدواژه‌ها در تفاسیر مورد جستجو قرار گرفتند، که این کلیدواژه‌ها ما را به مسائل تربیتی در تفاسیر رهنمون می‌شوند.

۳- پس از بررسی مسائل تربیتی، تفاسیری که مسائل تربیتی در آنها به فراوانی مطرح شده بود را به عنوان تفاسیر گرایش تربیتی در یک فصل آورده، تفاسیری که به طور کلی به برخی مسائل تربیتی پرداخته را به عنوان تفاسیر با رویکرد تربیتی در فصل دیگر و تفاسیری که مسائل تربیتی را به ندرت مطرح کرده‌اند و نمی‌توان آنها را تربیتی دانست در فصلی دیگر دسته بندی نمودیم. در هر فصل نیز تفاسیر به ترتیب تاریخی (تاریخ تألیف و یا تاریخ نشر) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۴- ترجمه‌ی تفاسیر عربی نیز به صورت نقل به معنا بوده است، یعنی در ترجمه اصرار بر اینکه کلمه به کلمه‌ی متن تفسیر ترجمه شود، نداشته و مضمون تفسیر به فارسی برگردانده شده است.

۵- نکته‌ی پایانی اینکه پس از بررسی مسائل تربیتی در برخی تفاسیر، مشخص شد که بعضی از تفاسیر به برخی از محورهای مسائل تربیتی پرداخته‌اند و مطلب ویژه و خاصی را در مورد آن محور بیان نموده‌اند، لذا در متن نوشتار آن محورها را حذف نمودیم.

ساختار تحقیق

این نوشتار از چهار فصل تشکیل شده است. فصل اول کلیات مربوط به بحث، از قبیل تعریف روش و گرایش، تعریف تربیت در لغت و اصطلاح، تعریف جریان شناسی، تفاوت اخلاق و تربیت، علوم تربیتی و مسائل آن و تربیت اندیشی قرآنی، مبانی گرایش تربیتی و نمادهای آن، آیات تربیتی و... مورد توجه قرار می‌گیرد.

در فصل دوم تفاسیری که به طور ویژه به شرح و بسط مسائل تربیتی پرداخته و اهمیت ویژه‌ای برای طرح این‌گونه مباحث قائل شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته و گزارشی از توجه این تفاسیر به مسائل تربیتی ارائه شده است. در این فصل سه تفسیر پرتوی از قرآن، روشن و نور به عنوان تفاسیر تربیتی معرفی شده‌اند.

در فصل سوم به جستجو و بررسی مسائل تربیتی در تفاسیری پرداخته‌ایم که میزان توجه مفسر به مسائل تربیتی مانند فصل دوم ویژه و خاص نیست، بلکه گاهی اوقات و در ذیل برخی آیات، مفسر به بیان کلیاتی از مسائل تربیتی پرداخته و یا برخی از اصول و مبانی کلی تربیت را بیان داشته است. در این فصل سه تفسیر المیزان، من وحی القرآن و نمونه به عنوان تفاسیری که رویکرد تربیتی دارند معرفی شده است.

در نهایت در فصل چهارم به بررسی مسائل تربیتی در تفاسیری پرداخته‌ایم که به تفاسیر تربیتی مشهورند اما مسائل تربیتی را به طور ویژه مورد بررسی قرار نداده و به ندرت به برخی از مسائل تربیتی اشاره داشته‌اند. این تفاسیر با این که در برخی کتب با عنوان تفاسیر تربیتی مشهورند اما توجه خاصی به مسائل تربیتی نداشته و نمی‌توان گرایش تربیتی را در آنها پذیرفت. در این فصل تفاسیر زیر مورد بررسی قرار خواهند گرفت: المنار، المراغی، الواضح، فی ظلال القرآن، مخزن العرفان، تقریب القرآن الی الاذهان، الکاشف، آسان، روان جاوید، احسن الحدیث و من هدی القرآن.



فصل اول:

مبانی تفسیر تربیتی

در اولین فصل از این نوشتار، سعی داریم کلیات مربوط به بحث را بیشتر روشن سازیم، تا ضمن روشن شدن تعاریف کلی، موضوع بحث را بهتر مطرح سازیم.

۱-۱. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

یکی از مباحث مهم در تفسیر قرآن، بحث روش‌ها و گرایش‌های تفسیری می‌باشد. متأسفانه، گاهی این دو مبحث با هم خلط شده و در برخی موارد به جای یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. شاید دلیل این اشتباهات این باشد که تا به حال تعریف واحدی از این مفاهیم ارائه نشده است و حتی گاهی تعاریف ارائه شده با یکدیگر تفاوت داشته و گاهاً متداخل نیز هستند. در این قسمت ابتدا به بیان تعاریف مختلف در این باره پرداخته و پس از آن تعریف بهتر و جامع را برمی‌گزینیم.

۱-۱-۱. روش‌های تفسیری

روش: روش در لغت به معنای راه، سبک، شیوه، طریقه و فن آمده است و در اصطلاح علوم، به مجموعه شیوه‌ها و تدابیری گفته می‌شود که برای کشف و شناخت حقیقت و دوری از لغزش به کار برده می‌شود.^۱

در مورد روش‌های تفسیری و معادل‌های عربی آن‌ها نظیر «منهج»، «اتجاه» و «طریقه» تعاریف متفاوتی ارائه شده است، برخی روش تفسیری را مستند یا مستنداتی می‌دانند که مفسر بر اساس آن کلام خدا را معنی می‌کند،^۲ و برخی صاحب نظران آن را امری فراگیر می‌دانند که مفسر در همه‌ی

^۱ - محسن فرمهبینی فراهانی، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، اول، (تهران: اسرار دانش، ۱۳۷۹)، ص ۳۶۹

^۲ - عباسعلی عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، سوم، (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳)، ص ۱۸۸

آیات قرآن به کار می‌گیرد و اختلاف در آن، باعث اختلاف در کل تفسیر می‌شود و این امر فراگیر جز منابع و مستندات تفسیر نیست.^۱

در حالی که برخی روش تفسیری را استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن می‌دانند که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایجی را به دست می‌دهد. به بیانی دیگر، در این تعریف چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن، روش تفسیری نامیده شده است.^۲ در تعریف دیگری، روش تفسیری فرآیندی تعریف شده است که مفسران در فهم آیات دنبال می‌کنند و اختلاف در آن سبب تفاوت در فهم آیات می‌شود و می‌توان از آن با عنوان مستند و یا مستنداتی یاد کرد که مفسران در فهم و تفسیر آیات قرآن از آنها بهره گرفته‌اند و از آن با «منهج تفسیری» نیز تعبیر شده است.^۳

طبق این تعاریف، مستندات تفسیری هستند که روش تفسیر را مشخص می‌کنند. یعنی طبق این دو تعریف مفسر در تفسیرش از هر مستند یا مستنداتی که استفاده کند، روش او نیز همان محسوب خواهد شد. به طور مثال اگر مفسری در تفسیر خودش از روایات به عنوان منبع یا مستند تفسیری استفاده کند، آن تفسیر روایی خواهد شد هر چند در تفسیرش و در مباحث مطرح شده مباحث کلامی یا فقهی و یا تربیتی را دنبال کند. طبق این تعریف ممکن است در تفسیری بیشترین مطالب مطرح شده به طور مثال فقهی باشد اما روش تفسیری مفسر، روایی خواهد بود، زیرا منابع مورد استفاده‌ی مفسر و مستندات تفسیری او همان روایات بوده است و نباید گفت که این تفسیر فقهی است، زیرا طبق تعریف این منابع هستند که روش مفسر را مشخص می‌کنند نه مطالب مطرح شده در تفسیر. ناگفته نماند که در برخی موارد اختلاف در منابع فرعی نیز می‌تواند باعث اختلاف

^۱ - محمد کاظم شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، اول، (قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲) ص ۴۶

^۲ - نک: محمدعلی رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۲، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، چهارم، (قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰) ص ۲۳

^۳ - سید رضا مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، سوم، (قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۰) ص ۱۲

در روش تفسیری مفسّر باشد. برخی صاحب نظران از روش‌های تفسیری به مناهج تفسیری نیز یاد می‌کنند.^۱

۱-۱-۲. منهج تفسیری

عنوان دیگری که در برخی تقسیم‌بندی‌های تفسیری دیده می‌شود اصطلاح منهج و یا مذهب تفسیری است که در عنوان برخی از کتب علوم قرآنی نیز مانند «مذاهب التفسیر الاسلامی» تألیف گل‌دزیهر و «مناهج فی التفسیر» تألیف مصطفی الصاوی الجوینی به چشم می‌خورد. معنای اصطلاحی منهج، روش روشن در تعبیر، عمل یا آموزش دادن چیزی بر اساس نظام مشخص و برای رسیدن به هدفی معین می‌باشد و منظور از منهج تفسیری، شیوه روشن و منظمی است که مفسر برای تبیین و کشف معانی کتاب الهی مطابق با افکار صحیح، آن را طی می‌کند.^۲ این تعریف تا حد زیادی به تعریف روش تفسیری شباهت دارد و به نظر با آن تداخل نیز دارد، شاید بتوان منهج و روش تفسیری را یک چیز واحد دانست. در تعریف دیگری از منهج به عنوان مسلکی که مفسر آن را در بیان معانی آیات و استنباط از الفاظ طی می‌کند، یاد شده است.^۳

۱-۱-۳. اتجاه

در مورد اتجاه نیز تعریف روشنی جز تعاریف دیگر واژه‌های مرتبط با آن ارائه نشده است. به طور مثال در یکی از تعاریف اتجاه آمده است که منظور از آن روش مفسر و نظر وی و مذهب وی در تفسیر است و همچنین جهتی از عقاید که آن‌ها را دنبال می‌کند و از آن به مدرسه‌ی تفسیری نیز یاد شده است.^۴

^۱ - نک: محمد کاظم شاکر، ص ۴۶

^۲ - حسین علوی مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، اول، (قم: اسوه، ۱۳۸۱) ص ۲۶

^۳ - سید محمد علی ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، اول، (تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۳) ص ۳۱

^۴ - همان.

۱-۱-۴. لون

در این جا منظور از لون این است که شخصی که قرآن را تفسیر می‌کند، در حقیقت با فهم و تفسیر خودش به تفسیر رنگ می‌دهد و تفهّم از متن او و شخصیت فکری او در کلیه آیات تفسیر شده قابلیت پیگیری دارد و مشخص است.^۱ به طور مثال مفسّری که به تفسیر روایی می‌پردازد سعی دارد در ذیل آیات با بیان روایات مختلف به تفسیر آنها پرداخته و بین آیه و روایات رابطه‌ای برقرار کند.^۲

۱-۱-۵. گرایش‌های تفسیری

در مورد تعریف گرایش‌های تفسیری نیز در بین صاحب نظران اختلافاتی وجود دارد، به طوری که برخی مراد از گرایش‌های تفسیری را صبغه‌ها و لون‌های مختلف تفسیری می‌دانند که دلایل به وجود آمدن آن تمایلات ذهنی و روانی مفسّر است، و مهم‌ترین عامل پدیدآورنده آن را جهت گیری‌های عصری مفسّر می‌دانند. که البته این مسأله خود معلول سه عامل تخصّص مفسّر، روحیات و ذوقیات مفسّر و دغدغه‌های مفسّر نسبت به مسائل مختلف بیرونی است^۳ و عده‌ای آن را ویژگی‌ها و خصایص فکری مفسّر می‌دانند که پیش فرض‌ها و تراوش‌های فکری خود را در تفسیر اعمال می‌کند که به گرایش تام، ناقص و ترکیبی قابل تقسیم بندی است.^۴

در تعریف دیگری گرایش را تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت گیری‌های عصری و سبک-های پردازش در تفسیر قرآن می‌دانند که بر اساس عقاید، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصّص علمی مفسّر شکل می‌گیرد.^۵

^۱ - همان.

^۲ - همان، ص: ۳۴

^۳ - همان، ۴۸

^۴ - حسین علوی مهر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۲۱۵

^۵ - محمدعلی رضایی اصفهانی، ص ۲۳

در تعریف دیگری، گرایش مربوط به شخص مفسر و تخصص، علاقه و رویکردهای او دانسته شده است که سبب می‌شود بر اساس رویکرد و تخصص خود، اهم مطالب آن تفسیر بدان جهت و یا به چند جهت مهم‌تر فراهم شود، مثل تفسیری که عمده مطالبش تربیتی و یا کلامی و یا فقهی می‌باشد، زیرا هر مفسری در تفسیر خود از دیدگاه مذهبی، کلامی، سیاسی و... و یا تخصص خاصی برخوردار است که در تفسیر او اثر گذار است و از آن تعبیر به «اتجاه» و «لون» تفسیر نیز می‌شود. از گرایش‌های تفسیری تعبیر به «موقف» تفسیر و مفسر نیز شده که عقاید او را در تفسیر نشان می‌دهد. بدین جهت تفاسیر از نظر گرایش‌های تفسیری، انواع فراوانی دارد که اهم آنها عبارتند از، تفسیر ادبی، تفسیر بلاغی و بیانی، تفسیر لغوی، تفسیر فقهی، تفسیر کلامی، تفسیر فلسفی، تفسیر تربیتی، تفسیر اجتماعی، ...^۱

باید توجه داشت که بسیاری از اوصافی که برای تفسیر ذکر می‌شود نشانگر گرایش خاص مفسران است. اوصافی چون: «کلامی»، «تاریخی»، «اخلاقی»، «تربیتی»، «هدایتی»، «ارشادی»، «روحانی»، «علمی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «تقریبی» (تقریب گرایانه) از این دست است. گاهی از گرایش‌های تفسیری به عنوان اتجاهات تفسیری نیز یاد می‌شود.

اما نویسنده‌ی دیگری گرایش تفسیری را این طور تعریف نموده است: «گرایش‌های تفسیری یعنی شاخه‌ای از علوم که فراوانی بیشتری در تفسیر دارند». به عبارت دیگر، با توجه به فراوانی مطالب یکی از عناوین فقه، کلام، علوم جدید، فلسفه و عرفان، این تفسیر دارای آن گرایش خواهد بود. البته ممکن است برخی تفاسیر دارای چندین گرایش باشند.^۲

معنای این تعریف آن است که در تعریف گرایش‌های تفسیری، به جای توجه به مفسر، باید به متن تفسیر توجه شود و تعریف بر آن اساس مطرح گردد. مسأله‌ی دیگر در این تعریف، فراوانی مطالب است. از این رو اگر مطالبی که تحت عنوان گرایش‌های تفسیری مطرح می‌شوند اندک

^۱ - سید رضا مودب، ص ۱۴

^۲ - محمدقریان زاده و محمد حسن رستمی، "گستره‌ی گرایش‌های تفسیری"، دوفصل نامه آموزه‌های قرآنی، ش ۱۵، (۱۳۹۱): ص

باشد، تفسیر به آن گرایش متّصف نمی‌شود. نتیجه اینکه تعریف گرایش تفسیری دو رکن دارد: یکی علوم مندرج در تفسیر و دیگری فراوانی این دست مطالب در آن^۱.

با توجه به تعاریف فوق به نظر می‌رسد صحیح آن باشد که بگوییم در گرایش تربیتی باید به متن تفسیر نظر داشت و نه به خود مفسّر. در برخی از تعاریف فوق نکاتی مورد تأکید قرار گرفته- اند که بیشتر به مفسّر برمی‌گردد، در حالی که در گرایش ما با تفسیر روبرو هستیم نه با شخص مفسّر. پس اگر در تعریفی آمده است تخصّص مفسّر یا دغدغه‌های مفسّر منظور این است که تخصّص یا دغدغه در تفسیر نمایان شده است و خود را نشان داده است.

نکته‌ی دیگر که اهمّیت آن بارز است این است که در گرایش تفسیری، باید بحث شاخه‌ای از علوم مطرح باشد و تحت شاخه‌ای از علوم بگنجد، و گرنه نمی‌توان عنوان گرایش تفسیری را بر آن تفسیر نهاد. توضیح بیشتر اینکه در گرایش تفسیری شرط است که شاخه‌ای از علوم در متن تفسیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته باشد تا بتوان گفت این تفسیر به این گرایش متّصف است. در حالی که در برخی از تعاریف ارائه شده از گرایش این مسأله مورد توجه قرار نگرفته است که حتماً باید فراوانی شاخه‌ای از علوم مدّ نظر باشد. به عنوان مثال زمانی که از گرایش فقهی بحث می‌کنیم، تفسیر گرایش فقهی دارد که مفسّر در تفسیر آیات به مسائل فقه به عنوان یک علم می‌نگرد و مباحث مربوط به آن را در آیات مطرح می‌سازد و یا زمانی که از گرایش کلامی صحبت می‌شود منظور مسائل علم کلام است که به فراوانی در یک تفسیر مورد توجه قرار گرفته و باعث شده است که آن تفسیر متّصف به گرایش کلامی گردد. با این وصف به نظر می‌رسد که همه‌ی تعاریف ارائه شده از گرایش صحیح نبوده و یا دارای اشکال می‌باشند که نیاز به بازنگری دارند. منظور ما از گرایش، همان‌طور که اشاره شد، این است که شاخه‌ای از علوم (در این نوشتار: علوم تربیتی) در تفسیری به فراوانی مورد تأکید و اشاره قرار گرفته باشد. پس در تعریف ما از گرایش دو مطلب مدّ نظر بوده است: یکی مطالب ارائه شده در تفسیر شاخه‌ای از یکی از علوم (در اینجا

۱ - همان، ص ۱۶۲

علوم تربیتی) باشد، دوم اینکه این مطالب به فراوانی در تفسیر آمده باشد. در بخش تعریف گرایش تربیتی بیشتر در مورد این مسأله توضیح خواهیم داد.

علاوه بر روش و گرایش، عناوین دیگری نیز هستند که گاهی در مباحث مربوط به روش‌ها و گرایش‌ها مطرح می‌شوند. از جمله‌ی این عناوین می‌توان به الوان تفسیری، مذاهب تفسیری، مکاتب تفسیری، سبک‌های تفسیری، صبغهی تفسیری و... اشاره نمود، که بحث در مورد این عناوین باعث اطاله ی کلام شده و خارج از مجال این نوشتار است.

۱-۱-۶. جریان شناسی

بررسی تفاسیر مختلف به خوبی نشان می‌دهد که رویکرد مفسران در تفسیر آیات الهی یکسان نبوده و هریک به فراخور تخصص، دانش، مبنا و گرایش که داشته و یا نیازی که احساس می‌کرده به تفسیر کل یا بخشی از آیات پرداخته‌اند. برخی به جمع‌آوری روایتهای تفسیری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام یا صحابه پرداخته، با رویکرد روایی، تفسیری را فراهم آورده‌اند و برخی نیز آیاتی را که حکم یا مسئله‌ی فقهی بوده، بررسی کرده و تفسیر نموده‌اند. برخی دیگر نیز به نکات ادبی یا کلامی آیات و ... پرداخته‌اند که هریک جریان خاص خود را دارد. منظور از جریان شناسی تفسیر نگاری این است که به نقطه‌ی آغاز، اوج، فرود و گاه توقف یک رویکرد تفسیری بپردازیم و با شناساندن روش هر یک از تفاسیر، امتیازات و کاستی‌های آنها را روشن سازیم و جایگاهشان را در زنجیره‌ی این جریان مشخص کنیم.^۱

در این نوشتار در پی آنیم تا گرایش و یا رویکرد تربیتی تفاسیر را جریان شناسی کنیم تا علاوه بر بررسی یک حرکت علمی، یک جریان فکری را نیز در دوره‌های مختلف تمدن اسلامی مورد

^۱ - محمد علی مهدوی راد و دیگران، جریان شناسی تفاسیر فقهی، تاریخ، تطوّر و نمونه‌ها، اول، (مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۰)، ج ۱، ص ۱۹ - ۲۰

توجه قرار دهیم و فراز و نشیب‌های آن حرکت فکری را نیز تا حدی مشخص سازیم. این مسأله همچنین می‌تواند داشته‌ها، خلأها و نیازهای پژوهشی این زمینه را نیز مشخص کند.

۱-۲. مفهوم شناسی واژه تربیت

۱-۲-۱. معنای لغوی

با توجه به کتب لغت و گفته‌ی زبان شناسان می‌توان گفت که واژه‌ی «تربیت» مصدر باب تفعیل و دارای سه ریشه است:

۱- ربأ، یربؤ (=فعل مهموز) ۲- ربی، یربی (=فعل ناقص) ۳- رب، یرب (=فعل مضاعف)^۱

تربیت اگر از «ربا، یربو» باشد، به معنی رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن می‌باشد. «ابن‌منظور» در «لسان العرب» می‌گوید: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رُبُوًّا وَرِبَاءً: زَادَ وَنَمَا»^۲ یعنی چیزی رشد کرد و افزوده شد. و اگر تربیت برگرفته از «ربی، یربی» باشد، معنایش افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک است. اما اگر تربیت از ریشه «رب، یرب» باشد، به معنای پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط در آوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن خواهد بود. در کتاب «اقرب الموارد» آمده است: «رباه یربی تربیه: جعله یربو و غذاه و هذبه»^۳ «او را تربیت کرد؛ یعنی غذا داد و پیراسته اش کرد.»

از میان سه معنای پیش گفته، بیشتر زبان شناسان تربیت را با عنایت به ریشه «رب، یرب» تعریف کرده‌اند. از باب نمونه «راغب اصفهانی» بر آن است که: «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و

۱ - نک: محمد شحات خطیب، اصول التریب الاسلامیة، اول، (ریاض: دار الخریجی، ۱۴۱۵ق)، ص ۲۳

۲ - محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، اول، (بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق)، ج ۱۴، ص ۳۰۵

۳ - سعید خوری الشرتونی، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، اول، (قم: مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۳ق)، ج ۱، ص ۳۸۵

پیوسته هرچیز است تا آن گاه که به انجامی که آن را سزد برسد.^۱ و «بیضاوی» تربیت را «به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز» دانسته است.^۲

کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» معنای واحد در این ماده را برجسته شدن به همراه افزودن شدن دانسته است.^۳

اما این واژه در دانش تربیت و اندیشمندان علوم تربیتی با در نظر گرفتن ریشه مضاعف معنا شده است، چنان که در قرآن کریم نیز تربیت با ساختار لفظی رب و با همین معنا، به کار رفته است. «علامه طبرسی» در تفسیر «مجمع البیان»، پس از آنکه برای واژه «رب» معانی مختلفی چون مالک، صاحب، سید، مطاع، مصلح و تربیت کننده را بر می شمرد، آن را مشتق شده از واژه تربیت بر می شمرد.^۴

در تفسیر «نمونه» نیز «رب» در اصل به معنای مالک و صاحب چیزی که به تربیت و اصلاح آن می پردازد معنا شده است و آن را از ریشه ی «ربب» دانسته اند که در معنای آن پرورش و تربیت نهفته است.^۵

بدین ترتیب می توان گفت که «رب» و «مربی» از مصدر تربیت است و در معنا و مفهوم لغوی تربیت، سه عنصر مربی، هدفداری مربی مبنی بر رشد دادن متربی و کمال یابی تربیت شنونده، از ارکان و عناصر اصلی به شمار می روند، به گونه ای که با نبود هر یک از اضلاع این مثلث، مفهوم تربیت بر آن صادق نیست.

-
- ۱ - حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، اول، (بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۴ق)، ص ۱۸۴
 - ۲ - عمر بن محمد بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، اول، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق)، ص ۱۰
 - ۳ - حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، سوم، (بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا) ج ۴، ص ۳۵
 - ۴ - فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، اول، (بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ش)، ج ۱، ص ۲۲
 - ۵ - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، اول، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش)، ج ۱، ص ۵۴